

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه هفتم)

مقدمه

شبکه‌ی ولایت، شبکه‌ای از مؤمنین‌اند که ارتزاق آنها از عقل و فطرت و وحی است؛ یعنی مثلاً برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (حتی بدون غدیر) عقل و فطرت و مقایسه ایشان با دیگر صحابه کافی است. قواعد این شبکه، معروف و منکر است. اعضای شبکه‌ی ولایت باید و نباید خود را از قرآن و عترت می‌گیرند؛ یعنی به آنچه خدا و اهل بیت می‌فرمایند، عمل و از آنچه خدا و اهل بیت نمی‌پسندند و نهی کرده‌اند، پرهیز می‌کنند. سازوکار این شبکه، حب و تبعیت است؛ یعنی افراد این شبکه نسبت به یکدیگر و سر شبکه (امیرالمؤمنین) حب پیدا می‌کنند، محبتی که همراه با تبعیت است. اصلاً محبت بدون تبعیت، محبتی دروغین است. از طرفی اعضای این شبکه نسبت به افراد شبکه‌ی شیطان بغض دارند و از آنها پیروی نمی‌کنند. ثمره‌ی این شبکه نیز نور و عدل و حکمت (علمی که خدا به اولیاء خود عطا می‌کند) است. در جلسات گذشته در مورد: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ»؛ «خدایا تو را ستایش بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره‌ی اولیائت» و نکات مهم آن مفصل سخن گفتیم؛ پس داستانی که بر این اولیاء می‌گذرد، عامل این شکر و تشکر است. حالا باید ببینیم این قصه چیست.

پیمان ولایت

پیمان روز آلت هم، پیمان ولایت است. پیمانی که بر کل هستی عرضه شد و همه، چه از سر اطاعت و چه اکراه آن را پذیرفتند. در مورد انسان‌ها نتیجه (اطاعت یا اکراه) را خودمان (در نحوه‌ی زندگی) می‌بینیم؛ اما در مورد موجودات غیر مختار، نحوه‌ی این پذیرش، ذات آنها می‌شود؛ یعنی برتری مکان‌ها و موجودات غیر مختار نسبت به یکدیگر براساس نحوه‌ی پذیرش آنهاست. آنچه براساس روایات برای ما مفید است (خوراکی‌ها، سنگ‌ها و غیره) نیز این ولایت را با اطاعت پذیرفته‌اند. در ادامه‌ی دعا، اولیاء را به ما معرفی می‌کنند: «...الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ...»؛ «آنان که تنها برای خود و دینت برگزیدی...» خدا بی‌نیاز است؛ پس برای

خودت بی‌نیاز کردی؛ یعنی همه‌ی هم و غم آنها خداست. مبنا و مبدأ و مقصد آنها خداست. پیامبر در تعریف توحید فرمود: «... **وَالِ فِي اللَّهِ وَ عَادِ فِي اللَّهِ...**»؛ «به خاطر خدا دوستی کن به خاطر خدا دشمنی ورز» (بحار الأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۶۹)

اصلاً دلیل رتبه‌ی اولیاءالله و اهل بیت به صورت خاص همین اخلاص آنهاست.

کتاب و معلم در کنار هم

خدا همه‌ی انسان‌ها را دوست داشته و عشق او به انسان باعث آفرینش با صفت رحمانیت است. با صفت رحیمیه نیز عشق انسان به خدا تجلی می‌کند. خدا روح ما را متوجه جسممان کرد. حالا ما باید با عقل و فطرت و پیروی از اولیاءالله به اصل خودمان برگردیم.

برای رسیدن به خدا ما به معلم نیاز داریم که همان امام هر زمان است.

این امام چند ویژگی دارد:

- هم آدرس می‌دهد؛
- هم ما را (تا آدرس) می‌برد؛
- و از همه مهمتر خودش آدرس است.

یعنی امام آدرس می‌دهد و تو را می‌برد و به خودش می‌رساند. برای همین امام حسین هم «**مصباح الهدی**» (چراغ هدایت) است و هم «**سفینه النجاه**» (کشتی نجات)؛ یعنی مقصد همان همراه توست. اصلاً تو قرار است شبیه امام بشوی؛ پس ما نمی‌توانیم بدون دین و فرمول به خدا برسیم هم کتاب نیاز داریم و هم معلم. حالا برویم سراغ معنی مخلص. ما یک مخلص داریم و یک مخلص. مخلص یعنی خالص شده. یکی از فواید اخلاص این است که وقتی خالص بشویم، حکمت از قلبمان به زبانمان جاری می‌شود. فایده‌ی دیگر اخلاص (در سوره‌ی یوسف) حفظ انسان از لغزش‌هاست. شیطان هم تنها بر بندگان غیر مخلص تسلط دارد و هیچ راهی بر دل مخلصین ندارد: «**قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ**»؛ «گفت: "به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد؛ مگر بندگان خالص تو از میان آنها"» (ص / ۸۳-۸۲)

چرا اهل بیت؟

خدا اهل بیت را برای مأموریت خود خالص کرده است. حالا چرا خدا از بین همه‌ی انسان‌ها فقط اهل بیت را خالص کرده است؟ این امر دو نکته دارد:

- اولاً از آنها آزمون گرفته شده است. در زیارت حضرت زهرا اینطور به ایشان سلام می‌دهیم: «یا مُتَحَنُّهُ اَمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ...»؛ «سلام بر تو ای آزموده شده، آزمودت آن که تو را آفرید پیش از آفریدنت در دنیا» اولیاءالله مأموران ویژه‌ی خدا هستند و رسالتی بزرگ بر عهده دارند. مأموریت هدایت مردم، مأموریت مهمی است که نمی‌شود بر عهده‌ی هرکسی گذاشت. آن هم مأمورینی که فرشتگان الهی هم در مورد آن دچار شک هستند. برای همین خدا فرمود: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ «سپس اسماء را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: "اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید"» (بقره/ ۳۱)

همین که حضرت آدم اسم پنج تن را برد، همه تسلیم شدند و سجده کردند؛ پس خدا به واسطه‌ی وسعت علم خود می‌داند که چه کسی باید این مأموریت را انجام بدهد. خدا می‌دانست که در بین همه‌ی انسان‌ها فقط ۱۴ معصومین می‌توانند این مأموریت را درست انجام دهند. فقط امام حسین می‌توانست از امتحانات عاشورا سر بلند بیرون بیاید. خدا امتحانات فراوان و دشواری از اهل بیت گرفته است که در طاق‌ت انبیاء الهی هم نبود. عاشورا صورت ملکوتی وعده‌های تمام انبیاء بود. هر که هرچه وعده داده بود و نتوانسته بود انجام دهد در عاشورا انجام شد. به ما هم به همان اندازه‌ای که در شبکه‌ی ولایت رشد کنیم، مأموریت می‌دهند و هرچه بیشتر رشد کنیم، مأموریت‌ها هم سنگینتر می‌شود؛ البته در صورت لغزش، تنبیه چنین افرادی هم بزرگتر است.

- نکته‌ی دوم اینکه اصلاً از امتحانات پیش از خلقت هم که بگذریم، اهل بیت در عمل (در امتحانات دنیا) اخلاص خود را نشان دادند؛

پس خدا امتحانات خود را به کسانی می‌سپارد که از پس آن برمی‌آیند؛

کسی که یدالله و عینالله و اذنالله است.

دلیل امتحانات الهی

خدا واسع‌العلم است؛ اما امتحانات برای خود ماست. خدا به برتری امیرالمؤمنین واقف است؛ اما از او هم امتحان می‌گیرد تا اخلاص و برتری او به مدعیان خلافت و برابری با او ثابت شود.

ویژگی نعمات بهشت

در فراز بعدی دعا می‌فرماید: «إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَزَّوَالٍ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزَبْرَجِهَا...»؛ «آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمتِ پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباهی و نابودی ندارد؛ پس از آنکه بی‌میل بودن نسبت به رتبه‌های این دنیای فرومایه و زیورش را با آنان شرط کردی...» اصل نعمت این است که ما پیش خدا باشیم. از جمله ویژگی‌های نعمت‌های بهشت این است که دائمی است و زوال ندارد و دچار استهلاک نمی‌شود و همیشه تازه و نو است. نعمت‌های دنیا اینطور نیستند. اولاً موقت و زود گذرند (مانند عمر انسان و جوانی) و در ثانی کم می‌شوند و از بین می‌روند یا کهنه و مستهلک می‌شوند. خدا در قرآن در مورد نعمات بهشتی می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «پس هیچ کس نمی‌داند که به پاداش نیکوکاریشان چه نعمت و لذت‌های بی‌نهایت که روشنی‌بخش (دل و) دیده است در عالم غیب برایشان ذخیره شده است.» (سجده / ۱۷)

ما فهمی از این نعمت‌ها نداریم. مثل این است که بخواهیم برای فرد نابینای مادرزاد رنگ‌ها را توضیح بدهیم. مثال‌های ذکر شده از نعمات اخروی مانند وصف باغ‌ها و میوه‌ها نیز فقط برای این است که ذهن ما تا حدودی متوجه این نعمت‌ها شود و **إِلَّا** اصل نعمت، اینها نیست و عند الله است. خدا در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» این آیه خیلی امیدبخش است. از عبارت «بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» دو برداشت می‌شود:

- اول این است که بهترین عمل فرد، ملاک سنجش او می‌شود؛ مثلاً هر مؤمن در عمر خود نمازهای بسیاری می‌خواند، حالا بهترین نماز این فرد را در نظر بگیرید، خدا از سر محبت و رحمت خود همه‌ی نمازها را به این نماز می‌رساند. در مورد همه‌ی اعمال همین است.
- برداشت دیگر این است که خدا به اعمال ما به بهترین شکل ممکن پاسخ می‌دهد.

خدا در آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی قصص نیز به فناپذیری نعمات اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ «معبود دیگری را با خدا مخوان که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود؛ حاکمیت

تنها از آن اوست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید.» امیرالمؤمنین در حدیثی فرمودند: «أَنَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»؛ یعنی من معنای لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ هستم؛

یعنی توحید در ولایت من تعریف می‌شود.

جالب اینجاست که ابجد این عبارت با ابجد اسم علی برابر و ۱۱۰ است. در یکی از زیارات امام‌زمان اینطور به ایشان سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجَهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ...»؛ «سلام بر تو ای وجه خدا که نابود نمی‌شود.» خدا در آیه‌ی ۹ سوره‌ی مزمل به پیامبر می‌فرماید: «... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا»؛ «معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن.» حالا بیایید معنی این آیه را با توجه به حدیث امیرمؤمنان بخوانیم: «... پس علی (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) را در میان همه برای خودت وکیل بگیر.» این یکی از وجوه معجزه بودن قرآن است و امکان ندارد ما بدون روایات اهل بیت به این مفاهیم برسیم.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه هفتم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، تیر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)